

مطالعه تطبیقی آموزش کارآفرینی در کشورهای منتخب شمال و جنوب

A Comparative Study of Entrepreneurship Education in South & North Selected Countries

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۹/۱۵

Hamid Rahimi
Mostafa Sharif

حمید رحیمی *
مصطفی شریف **

Abstract: The purpose of this research was to study entrepreneurship education in south & north countries **comparatively**. The research questions edited considering types of entrepreneurship education in local view (work environment or educational environments or as mixed), structural view (mono lesson, course or give university formal certification), types of trainers (expert in a major or experts of entrepreneurship education or mixed). Research method was comparative design. The population of the research comprised of south and north selected countries. Sample of research was some of selected countries (American, England, Germany, French, Italy, Netherlands, Malaya, India, Australia, Filipino, Taiwan and Singapore). Research data were gathered from documents, internal & external books & journals. The findings showed that entrepreneurship education in different countries occurred both in work environment & educational environment. The structural view are presented (mono lesson, course & give university formal certification) and also can be done by different experts.

چکیده: هدف پژوهش حاضر، مطالعه تطبیقی آموزش کارآفرینی در کشورهای منتخب شمال و جنوب بوده است. سؤالات تحقیق با در نظر گرفتن انواع آموزش‌های کارآفرینی از نظر مکان (محیط کار یا محیط‌های آموزشی و یا به صورت ترکیبی)، از نظر ساختار (تک درس، دوره و یا اعطای مدرک رسمی دانشگاهی) و انواع آموزش دهندگان (افراد متخصص در یک رشته یا متخصصان آموزش کارآفرینی و یا به صورت ترکیبی) تدوین و بررسی شد. روش تحقیق، طرح تطبیقی بوده است. نمونه آماری پژوهش شامل چندین کشور منتخب شمال و جنوب (آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، هلند، مالزی، هند، استرالیا، فیلیپین و تایوان) است. داده‌های پژوهش از طریق اسناد و مدارک، کتب و مجلات داخلی و خارجی گردآوری شده بود. یافته‌ها نشان داد که آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف شمال و جنوب، هم در محیط‌های کاری و هم در محیط‌های آموزشی صورت می‌گیرد و از نظر ساختار هم به صورت تک‌درس، دوره و با اعطای مدرک رسمی دانشگاهی ارائه می‌شود و می‌تواند از سوی متخصصان مختلف انجام شود.

Key words: entrepreneurship education- entrepreneurship- higher education –selected countries

واژگان کلیدی: آموزش کارآفرینی، کارآفرینی، آموزش عالی، کشورهای منتخب

* استادیار دانشگاه کاشان (مسئول مکاتبات: hamid_rahimi_1982@yahoo.com)

** دانشیار دانشگاه اصفهان

مقدمه و بیان مسأله

در حال حاضر سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فن‌آوری و توسعه اقتصادی قرار داده است. تجربه موفقیت‌آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحران‌های اقتصادی به واسطه توسعه کارآفرینی در آن کشورها، موجب گردیده است تا سایر کشورها نیز برای کارآفرینی، کارآفرینان و شکل‌گیری کسب و کارهای نوآورانه اهمیت خاصی قائل شوند. در حقیقت، کارآفرینی، عنصری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که بر مبنای ظرفیت‌های ایجاد شده در کارآفرینان از طریق آموزش، بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و مکمل سازمانی را به حداکثر می‌رساند.

واژه کارآفرینی در اوایل قرن شانزدهم در فرانسه ابداع شد. در آن زمان به کسانی که مدیریت و رهبری مأموریت‌های نظامی را بر عهده داشتند، کارآفرین می‌گفتند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). کارآفرینی، مفهومی است که تاکنون از دیدگاه‌های مختلف، بررسی شده است و همه بر این باورند که کارآفرینی، موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است؛ در حالی که در کشور ما به اشتباه این مفهوم صرفاً با اشتغال‌زایی مترادف شده و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت کار آفرینی پیش می‌رویم.

کارآفرینی، فرایند بلند آموزشی و پرورشی است که مستلزم برنامه‌ریزی در نظام آموزشی و پژوهشی است و اجرای برنامه‌های آن از سطح خانواده، مدرسه تا دانشگاه و سازمان‌ها گسترده شده است و باعث می‌شود تا افراد با استفاده از تخصص و قدرت ابتکار، خلاقیت و خطرپذیری و نیز امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌ها، اشتغال مولد و درآمدزا ایجاد کنند (داتا، ۲۰۰۵).

دوره‌های آموزش کارآفرینی، نه تنها جای خود را در بستر درس دانشگاهی و رشته‌های مختلف باز نموده، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی نیز مورد توجه قرار گرفته است. هدف اولیه از توسعه کارآفرینی، تربیت افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و افرادی است که به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل تمایل بیشتری دارند (کاتن، ۱۹۹۰، ۱۴۷). در یک تعریف ساده، آموزش کارآفرینی، فرایندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا است که طی آن، افراد غیر کارآفرین، ولی دارای توان

بالقوه، به صورتی خلاق تربیت می‌شوند. در واقع، آموزش کارآفرینی، فعالیتی است که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز در جهت کارآفرینی استفاده می‌شود که افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت؛ به عبارت دیگر، آموزش‌های کارآفرینی به دنبال بهبود و انگیزش در گرایش‌های افراد همچون فرصت‌جویی، ابتکار، مخاطره‌پذیری و... است و در نهایت، هدف از آموزش کارآفرینی، تربیت و پرورش افرادی خلاق و نوآور است (شفیع‌زاده، ۱۳۸۶). اهداف آموزش کارآفرینی را می‌توان کسب دانش مربوط به کارآفرینی، تعیین و تقویت ظرفیت، استعداد و مهارت کارآفرینی، القای مخاطره‌پذیری، تقویت نگرش‌ها در جهت پذیرش تغییر و... دانست (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳).

طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، به دلیل اهمیت جایگاه کارآفرینی در ایجاد اشتغال، بتدریج وفاق عمومی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در راستای آموزش و ترویج کارآفرینی ایجاد شد. کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه، استرالیا، سنگاپور و... سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی و حمایتی گسترده‌ای را در مورد کارآفرینی تدوین کردند و به مرحله اجرا گذاشتند. با مطالعه تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تا قبل از دهه ۸۰ میلادی، سه موج وسیع، کارآفرینی را هدایت کرده است:

موج اول: توجه به مطالعه و پژوهش در قالب انتشار کتاب‌هایی مثل «زندگی کارآفرینان و تاریخچه شرکت‌های آنها»، «چگونگی ایجاد کسب و کار شخص» و «شیوه‌های سریع پولدار شدن».

موج دوم: ارائه رشته‌های آموزش کارآفرینی در مقاطع تحصیلی در حوزه‌های مهندسی و بازرگانی. این دوره از اواخر دهه ۶۰ در چند دانشکده آغاز شده و هم‌اکنون بیش از ۵۰۰ دانشکده در ایالات متحده و کانادا را دربرگرفته است. موج سوم: افزایش علاقه‌مندی و حمایت دولت از پژوهش در زمینه بنگاه‌های کوچک با هدف تشویق شرکت‌های کوچک و همچنین پژوهش در زمینه نوآوری‌های صنعتی.

مؤلفه کارآفرینی برای تمام کشورها، خصوصاً کشورهای جنوب و در حال توسعه، ابزار اساسی و مؤثر برای دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. کارآفرینی، مقوله‌ای است که تولید صنعتی را افزایش داده و توان دفاعی را ارتقاء بخشیده و از طریق ایجاد رقابت‌های داخلی و خارجی باعث بهبود کیفیت زندگی مردم یک کشور می‌شود. در

بین کشورهای مورد مطالعه، آمریکا و کانادا نسبت به سایر کشورها در اصلاحات ساختاری به منظور ترویج کارآفرینی گام‌های بیشتری برداشته‌اند و این موضوع به دلیل نظام فدراتیو حاکم بر آنهاست که امکان مشارکت دورافتاده‌ترین مناطق را نیز در اصلاحات ساختاری فراهم آورده است. آمریکا دارای یکی از مفصل‌ترین الگوهای طبقه‌بندی کسب و کار است که بر کارکرد مورد انتظار انواع حمایت‌های قانونی - حقوقی تأثیر مثبت داشته است. کشورهای توسعه یافته دیگر نظیر آلمان، ژاپن و انگلستان از اواخر دهه ۱۸۷۰ به بعد، استراتژی‌های خود را بر توسعه کارآفرینی قرار دادند و کشوریالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۷۰ به موضوع کارآفرینی توجه جدی نموده و از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، توسعه آموزش کارآفرینی به یکی از موضوعات راهبردی این کشور تبدیل شده است. نگاهی به کشورهای در حال توسعه نظیر کره جنوبی، سنگاپور، مالزی و چین نشان می‌دهد که آنها نیز تجارب موفق در این زمینه داشته‌اند. در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته نیز توجه به کارآفرینان و توسعه کارآفرینی جزو محورهای اصلی برنامه‌های توسعه آنهاست و در حال حاضر می‌توان گفت موجی از کارآفرینی و آموزش در این زمینه در دنیا به وجود آمده است (بهزادیان‌نژاد، ۱۳۸۰).

آموزش کارآفرینی در اغلب کشورها از مدارس ابتدایی شروع و در مقاطع عالی و دانشگاهی نیز ارائه می‌شود. در مدارس ابتدایی، بیشتر از طریق ارائه کارتونهایی نمایشی و در دبیرستان‌ها از طریق برنامه‌های ایجاد کسب و کار دانش‌آموزی، فراگیران با کارآفرینی آشنا می‌شوند. در دانشگاه‌ها نیز تحت عناوین دانشگاه کارآفرین، دروس کارآفرینی و رشته کارآفرینی به این امر مهم توجه شده است. چندتن از صاحب‌نظران در یک مطالعه پژوهشی نسبت به بررسی سرفصل‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها اقدام نموده‌اند. از نظر آنان بیشتر این سرفصل‌ها حول دو محور عمده تدوین شده‌اند (زالی، ۱۳۸۵).

۱- سرفصل‌های آموزش کارآفرینی برآغاز فعالیت کسب و کار و با رویکرد کارآفرینانه؛

۲- سرفصل‌های آموزش کارآفرینی برای اداره فعالیت‌های کسب و کار با رویکرد کارآفرینانه؛

۳- سرفصل مشترک در هر دو مورد مانند تفکر خلاق، انتقال تکنولوژی، مدیریت محصول و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تجاری مخاطره‌آمیز. در طبقه‌بندی انجام شده، ۵۴ درس برای ایجاد و راه‌اندازی کسب و کار و ۲۸۸ درس برای اداره کسب و کار مشاهده شده است.

سرآغاز آموزش کارآفرینی در ایران را می‌توان ایجاد کارگاه‌های آموزشی که از سال ۱۳۷۶ تحت عنوان آموزش دوره‌های کارآفرینی برگزار می‌شد و در آن دوره‌ها مدرسان هندی تدریس می‌کردند، دانست. در ادامه این دوره‌ها، دوره‌های غیر رسمی آموزشی کوتاه مدتی بود که در سطح مدیران کشور برگزار می‌شد. ۸ دوره از این کلاس‌ها در سال ۱۳۷۶ در سطح مدیران در شمال کشور برگزار شد؛ اما طرحی که به طور رسمی و از سوی سازمان سنجش کشور پس از بررسی‌های کارشناسی فراوان به منظور آموزش کارآفرینی در کشور مورد تصویب قرار گرفت، طرح کاراد (کارآفرینی در دانشگاه‌ها) بود (طیرانی، ۱۳۹۰).

در سال ۱۳۸۲ دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به همت گروهی از اساتید این دانشکده نسبت به تشکیل گروه کارآفرینی اقدام کرد و بدین ترتیب، گرایش کارآفرینی در دوره کارشناسی ارشد در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ایجاد شد. با توجه به جدی‌تر شدن موضوع کارآفرینی در کشور و با حمایت اداره کار و امور اجتماعی، هیأت امنای دانشگاه تهران در اردیبهشت ۱۳۸۶ تأسیس دانشکده کارآفرینی را تصویب کرد. بعد از تأسیس دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، دانشگاه‌های دیگر نیز نسبت به راه اندازی دوره‌های کارآفرینی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مبادرت کردند.

در ایران، با وجود جمعیت هوشمند و مستعد و منابع طبیعی فراوان، تولید ملی در سطحی نازل است و جمعیت تحصیل کرده از اشتغال مولد چندانی برخوردار نیست؛ بر همین اساس، اولویت ایجاد کار در دستور کار نهادها و سازمان‌ها قرار گرفته است. از آنجایی که بسیاری از شرکت‌ها به علت نرخ بهره‌وری اندک، فقدان تقاضا و... در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند و موقعیت رقابتی کشور در بازارهای جهانی نیز بسیار ضعیف است، رویکرد توسعه کارآفرینی امری لازم به نظر می‌رسد. ضعف دستگاه‌های سیاست‌گذاری در شناخت امر کارآفرینی، نبود تجارب قبلی در کشور در جهت بسط و توسعه کارآفرینی و حمایت و پشتیبانی از کارآفرینان، یک مانع اصلی و اولیه محسوب می‌شود. در چنین فضایی، مطالعه تجارب سایر کشورها و ارائه مدلی پیشنهادی برای آموزش کارآفرینی در کشور، اقدام مفیدی است. وضعیت موجود آموزش کارآفرینی، بویژه در سطح آموزش عالی کشور، از یک الگوی منسجم برخوردار نبوده و دچار پراکندگی و سردرگمی است. بررسی تطبیقی آموزش کارآفرینی در چند کشور منتخب، بیان‌کننده تنوع ساختار و مدیریت این‌گونه آموزش‌هاست. سؤال این است که الگوی مناسب و متناسب آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشور چیست؟ پژوهش حاضر درصدد بررسی تجربه‌های چند کشور منتخب و ارائه الگوی مناسب آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشور است.

پیشینه تحقیق

پژوهش نای من^۱ (۲۰۰۱) در آفریقای جنوبی نشان داد که تأکید بیشتر ایجاد کنندگان کسب و کارهای کوچک به نظر می‌رسد که روی آموزش مدیریت باشد تا آموزش کارآفرینانه. همچنین دخالت آموزش بیشتر متوجه انگیزش شخصی و مهارت‌های کارآفرینانه است. هریسون^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقی به این نتیجه رسید که یادگیری درون گروهی و بین گروهی، یادگیری درون سازمانی و برون سازمانی، ایجاد سازمان یادگیرنده و تعریف مجدد چارچوب تغییرات سازمانی، نقش مهمی در کارآفرینی سازمانی دارد. ابراهیم^۳ (۲۰۰۲) در تحقیقی به این نتیجه رسید که بخش ایجادکننده کسب و کارهای کوچک در کانادا، نقشی اساسی در رشد و توسعه اقتصادی از طریق مشارکت در برون دادهای داخلی و ایجاد شغل ایفاء می‌کند. پوستیگو^۴ (۲۰۰۲) در ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان در آرژانتین، دریافت که دانشجویان دوره‌هایی را به ترتیب اولویت برای آموزش کارآفرینی پیشنهاد کرده‌اند که عبارتند از: مقدمه‌ای برای کارآفرینی و کسب و کار، خلاقیت و نوآوری، کارآفرینی اجتماعی، امور مالی و سرمایه‌گذاری، تدوین طرح کسب و کار و مدیریت واحدهای شغلی. در تحقیق متلی^۵ (۲۰۰۳) با عنوان بررسی آموزش کارآفرینی در چین، ده مدل در قالب (تئوری‌ها و کاربردهای اقتصادی و اجتماعی، اقتصادهای مدیریتی، رفتار سازمانی، مدیریت مالی و بازاریابی، سیستم اطلاعات و تکنولوژی‌های اطلاعات، حسابداری، تحلیل مالی و مدیریت ریسک مالی) در مدارس بازرگانی ارائه شده است. هنری^۶ (۲۰۰۵) در تحقیقی با موضوع تعیین و سنجش اثربخشی برنامه‌های کارآفرینی به این نتیجه رسید که جنبه‌هایی از کارآفرینی می‌تواند تدریس شود؛ چون کارآفرینی همانند مدیریت، هم علم است و هم هنر. برومرهلم^۷ (۲۰۰۷) دریافت که یکی از پیش شرط‌های لازم برای توسعه کارآفرینی در سوئد، حمایت بیشتر از مالکیت فکری در دانشگاه‌هاست. متلی (۲۰۰۸) در تحقیقی نشان داد که نیازهای فارغ‌التحصیلان برای آموزش کارآفرینی با برون دادهای واقعی بر حسب مهارت‌های کارآفرینانه، دانش و نگرش کارآفرینانه هماهنگی ندارد و این ناهماهنگی، ناشی از انتظارات کارآفرینان

-
1. Nieman
 2. Harrison
 3. Ibrahim
 4. Postigo
 5. Matlay
 6. Henry
 7. Braunerhjelm

از نیازهای آموزش واقعی و آتی است. لوسزکیو^۱ (۲۰۰۸) برنامه درسی کارآفرینی ارائه می‌دهد که چارچوب یادگیری در آن شامل سه حیطه است: یادگیری درباره کارآفرینی، یادگیری برای کارآفرینی و یادگیری از طریق کارآفرینی. این برنامه یادگیری مبتنی بر محیط جامعه است که مهارت‌های کارآفرینی را تقویت می‌نماید و قابلیت اجرا در سطح مدارس و دانشگاه را دارد و مبنای یادگیری در این برنامه، انجام دادن است و شالوده این برنامه جامعه است؛ بدین معنی که کارآفرینی، از طریق خلق فرصت و شبکه‌سازی با کارآفرینان و افراد حرفه‌ای در جامعه صورت می‌گیرد. فلسفه برنامه این است که کارآفرینی، حاصل درونی فرد است، نه ایده‌های کسب و کار، و ایجاد شخصیت کارآفرین، نیازمند رویکرد فردی است. این مهم است که افراد ماهیت فعالیت کارآفرینی خودشان را از طریق نوآوری، خود اشتغالی یا مالکیت کسب و کارهای کوچک کشف نمایند؛ بنابراین، برنامه درسی کارآفرینی باید با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جامعه تدوین شود. ماسالویبا^۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان آموزش کارآفرینی دریافت که در بعد تعاریف کارآفرینی، عناصر کلیدی کارآفرینی، پنج بعد است که شامل (۱) نگرش‌ها، ارزش‌ها، نیات و رفتارها (۲) مهارت‌های فردی (۳) کسب و کار جدید (۴) شناسایی فرصت‌ها و (۵) مدیریت شرکت‌های موجود است. مطالعه ماسالویبا (۲۰۰۸) نشان داد مهم‌ترین موضوعاتی که در برنامه‌های درسی آموزش کارآفرینی تدریس می‌شود، نه موضوع است که شامل: مدیریت منابع و امور مالی، بازاریابی و مهارت فروشنده‌گی، خلق ایده و کشف فرصت‌ها، برنامه‌ریزی کسب و کار، مدیریت رشد بنگاه، سازمان‌دهی و تیم‌سازی، خلق کسب و کار جدید، مدیریت کسب و کارهای کوچک و ریسک و منطق است. بررسی صورت گرفته از سوی سولومون^۳ (۲۰۰۸) در بین ۲۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه‌ها و کالج‌های آمریکا مبنی بر اینکه چه دروسی در دانشگاه بیشتر ارائه می‌شود، نشان می‌دهد که ۵۳ درصد افراد درس کارآفرینی، ۳۶ درصد مدیریت کسب و کارهای کوچک و ۳۰ درصد خلق کسب و کار جدید را انتخاب کرده‌اند. چنگ^۴ (۲۰۰۹) در تحقیقی روی اثربخشی آموزش کارآفرینی در مالزی دریافت که این آموزش، هماهنگ کننده انتظارات دانشجویان با کسب مهارت آنها نیست و میزان سطح درک مفهوم کارآفرینی هنوز بین افراد پایین است. تاتیلایا^۵ (۲۰۱۰) در تحقیقی

1. Luczkiw
2. Mwasalwiba
3. Solomon
4. Cheng
5. Tatila

نشان داد که مهارت‌های کارآفرینانه از طریق پروژه‌های توسعه زندگی واقعی و عملی یادگرفته می‌شود و چرخه یادگیری کارآفرینانه، صلاحیت‌های کارآفرینی را تقویت می‌کند و مورد حمایت قرار می‌دهد. فکور (۱۳۸۷) در تحقیقی نشان داد که تحولات اجتماعی، اقتصادی محیطی و نیز تحولات درونی دانشگاه‌ها در دهه‌های اخیر در پیدایش دانشگاه کارآفرین مؤثر بوده‌اند و دانشگاه کارآفرین به مفهوم داشتن کنش کارآفرینانه در راهبردها، ساختارها و عملکردهای دانشگاه است که عملاً به ایجاد ظرفیت‌های داخلی در آن برای انتقال فناوری و تأثیرگذاری در توسعه اقتصادی محلی و ملی و از طرف دیگر باعث افزایش درآمدهای دانشگاه منجر می‌شود و در مسیر تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین، لازم است که آنها ابعاد ساختاری، مدیریتی، فرهنگی خود را متحول ساخته و با گسترش زیر ساخت‌های مورد نیاز، زمینه را برای ایفای کارکردهای جدیدتر فراهم سازند.

اهداف تحقیق

- ۱- انجام مطالعه تطبیقی و استفاده از تجارب کشورهای موفق دنیا در زمینه آموزش کارآفرینی؛
- ۲- ارائه راه حل و پیشنهادهای کاربردی در حوزه آموزش کارآفرینی؛
- ۳- طراحی مدل مطلوب آموزش کارآفرینی بر اساس تجربیات کشورهای مختلف و مفاهیم نظری.

سوالات تحقیق

- ۱- انواع آموزش‌های کارآفرینی از نظر مکان (محیط کار یا محیط‌های آموزشی یا به صورت ترکیبی) در کشورهای منتخب چگونه است؟
- ۲- انواع آموزش‌های کارآفرینی از نظر ساختار (تک درس، دوره یا اعطای مدرک رسمی دانشگاهی) در کشورهای منتخب چگونه است؟
- ۳- انواع آموزش‌دهندگان (افراد متخصص در یک رشته یا متخصصان آموزش کارآفرینی و یا به صورت ترکیبی) در کشورهای منتخب چگونه است؟

روش تحقیق

با در نظر گرفتن هدف پژوهش حاضر که بررسی تطبیقی آموزش کارآفرینی در کشورهای منتخب به منظور ارائه الگوی کاربردی برای آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشور ایران است، روش مورد استفاده در این تحقیق، مطالعه تطبیقی کیفی است و روش‌های سنجش آن بیشتر به تفسیر و توصیف ختم می‌شود تا به تحلیل آماری. مطالعات تطبیقی توصیفی به پژوهش‌های اکتشافی خاصی اطلاق می‌شود که هدفشان صرفاً توصیف دو یا چند پدیده یا وضعیت از طریق مقایسه ویژگی‌های آنهاست؛ از سوی دیگر، روش‌های تطبیقی کیفی عمدتاً در جست‌وجوی توصیف تفصیلی و تشریح عمیق فرآیندهای تاریخی-اجتماعی در تعداد معدودی از موردها هستند. مطالعه تطبیقی فرآیند پژوهشی، مرکب از تدوین مسئله، تعیین دامنه تحقیق، تدوین فرضیه و بررسی موارد شباهت و تفاوت و توصیف و تبیین آنها است. به منظور ترسیم چارچوب مفهومی این تحقیق، باید ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطالعه تطبیقی در حوزه آموزش کارآفرینی مشخص و در قالب مدل‌های شماتیک ترسیم شود؛ لذا چارچوب مفهومی با توسل به روش‌های زیر ترسیم شده است:

- مصاحبه با خبرگان: در این راستا با تنی چند از اساتید کارآفرینی و کارشناسان آموزش کارآفرینی مصاحبه به عمل آمد.

- مطالعه اسناد و مدارک: ضمن مطالعه متون مربوط به ادبیات آموزش کارآفرینی، مطالعه وسیعی در مورد سیاست‌های دولت در خصوص توسعه کارآفرینی در ایران و سایر کشورها و مراجع آموزش کارآفرینی در ایران انجام شد. در طراحی مدل‌های آموزش کارآفرینی به عنوان یک مفهوم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های متعددی مطرح هستند که شامل نوع مکان و محیط آموزش کارآفرینی، نوع ساختار آموزش کارآفرینی و نوع آموزش دهندگان آموزش کارآفرینی است.

در این تحقیق، جامعه آماری شامل کشورهای جهان، خبرگان و آگاهان امر آموزش کارآفرینی (مدیران و کارشناسان سازمان‌ها) و اسناد و مدارک آموزش کارآفرینی است. برای تطبیق و مقایسه آموزش کارآفرینی، از چند کشور به عنوان الگو استفاده می‌کنیم. این کشورها آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد، هلند، مالزی، هند، استرالیا، فیلیپین و تایوان هستند و در انتخاب کشورهای منتخب از کشورهای دارای تجربه موفق استفاده می‌شود.

در این تحقیق، به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش فیش‌برداری کتابخانه‌ای به سبک سنتی و دیجیتالی استفاده شد و اطلاعات مورد نیاز برای پاسخگویی به سؤال‌ها

نیز از طریق ملاحظه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، گزارش‌های تحقیقی وجست‌وجو در شبکه جهانی اینترنت مرتبط مانند یونسکو، دیزرتیشن، پروکوئست^۱ و سایت‌های آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه جمع‌آوری شده است. شیوه انجام این تحقیق، تطبیقی است که بر اساس آن، ابتدا مفاهیم و اصول کلی و اهداف و روش‌های آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف به صورت مجزا بررسی و سپس با یکدیگر تطبیق می‌شود تا پاسخی برای سؤالات تحقیق فراهم کنیم.

یافته‌ها

۱- انواع آموزش‌های کارآفرینی از نظر مکان (محیط کار یا محیط‌های آموزشی و یا به صورت ترکیبی) در کشورهای منتخب چگونه است؟

آمریکا: دانشکده‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده بودند، از اواخر دهه ۶۰ تا ۱۹۷۸ به بیش از ۱۳۰ دانشکده و در سال ۱۹۸۰ تعداد آنها به ۱۶۳ دانشکده افزایش یافت، که بیشترین آنها مربوط به دانشکده‌های مدیریت بازرگانی بوده است (کاتن، ۱۹۹۰). این دانشکده‌ها در سال ۱۹۸۵ به ۲۱۲ دانشکده بازرگانی و ۴۱ دانشکده مهندسی و در دهه ۹۰ به ۵۰۰ دانشکده افزایش یافت. تعداد مدارسی که اکنون به آموزش کسب و کار جدید یا واحدهای مشابه می‌پردازند به ۱۶۰۰ مدرسه افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۰ انجمن ملی مراکز کارآفرینی به منظور هماهنگی میان مراکز کارآفرینی تأسیس شده و نیز مراکز نوپا به منظور همکاری و تسهیم اطلاعات و اجرای طرح‌های ویژه در جهت پیشبرد و بهبود مراکزشان، پایه‌گذاری شد. دو رشته علوم مهندسی و علوم کاربردی، به استثنای رشته شیمی در علوم پایه، غالباً در همکاری نزدیک با صنعت هستند که در سیاهه تحقیقات دانشگاهی آورده شده است (اسلیتر و نارور^۲، ۱۹۹۸).

استرالیا: مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای، بزرگ‌ترین آموزش‌دهنده مدیریت و کارآفرینی است و هدف دولت، ایجاد شبکه‌ای از مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها است. از این مراکز کارآفرینی با سرمایه‌گذاری‌های دولتی به‌ویژه در بخش تدریس و فعالیت‌های بازرگانی، حمایت می‌شود. وزارت آموزش فنی و حرفه‌ای بر اساس مقوله‌های زیر عمل می‌کند:

- اعطای گواهینامه صلاحیت به کارآموزان و مشاوران شرکت‌های کوچک؛

- ایجاد نشست‌های حضوری و ارائه کمک‌های مالی؛
- استفاده از وسایل کمک آموزشی پیشرفته در جهت آموزش و استفاده از فن‌آوری‌های اطلاعاتی برای تبادل اطلاعات در سطح سازمانی و فراسازمانی (داتا، ۲۰۰۵).

هلند: در دانشگاه‌های علوم بازرگانی و مدیریت، مبحث کارآفرینی در حوزه‌های آموزش، تحقیقات و مشاوره به دانشجویان تعلیم داده می‌شود. دولت برای گسترش حمایت و آگاهی در ساختار آموزش، ارائه طرح‌های توسعه و اجرای فعالیت‌های اساسی برای رشد آگاهی و مهارت‌های فنی و ارائه طرح‌های حذف موانع کارآفرینی و تشویق دانشجویان برای حرکت به سوی راه‌اندازی کسب و کار، کمیته مشاوره آموزش و کارآفرینی را تشکیل داده است. برنامه ابتکاری آموزش در سال ۲۰۰۰ برای آن طراحی شده است که به تعدادی فرایندهای آموزش نوآور منجر شود و به موجب آن، شرکت‌ها و ارائه دهندگان آموزشی بتوانند با یکدیگر همکاری کنند. در هر فرآیند آموزش حداقل ۵۰ نفر به سوی حرفه‌ای که در آن ریسک وجود دارد، سوق داده می‌شوند؛ موانع قانونی از سرراه هرکدام از این فرایندهای آموزشی برداشته می‌شود و قالب‌های آموزشی جدید (آموزش از طریق تلفن و آموزش در محل کار) به عنوان بخشی از فرایندهای آموزشی معرفی می‌شوند. از اوایل سال ۱۹۹۸ مجموعاً ۹۵ میلیون دلار به طور سالیانه به تسهیلات آموزشی اختصاص داده شده و طرح کسب مالیات، سرمایه‌گذاری کسب و کارها را در قسمت آموزش ارتقاء داده است. در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ بیشتر از ۱۰۰ پروژه کارآفرینی در همه سطوح آموزش از طرح یارانه برخوردار بوده‌اند. (هایتی، ۲۰۰۴). کمیته مخصوصی برای آموزش کارآفرینی از سطوح ابتدایی تا دانشگاه ایجاد شده که معطوف به افزایش پروژه‌های آزمایشی و جمع‌آوری نمونه‌های مناسب کارآفرینی که به آسانی در اختیار مؤسسات آموزشی قرار گیرد است. این کمیته از سوی وزارت بازرگانی به منظور توسعه یادگیری و سایر فعالیت‌ها (مثل سمینارها، تدریس و آموزش معلمان و...) حمایت مالی می‌کند. در دانشگاه توانایی دفتری به نام "انکباتورهای دانشجویی" به دانشجویان اختصاص داده شد تا از این طریق، با پشت سرگذاشتن دوره‌ها به طور موفقیت‌آمیز به سمت انکباتورهای واقعی سوق پیدا کنند (کوراتکو، ۲۰۰۴).

سؤدد: آموزش کارآفرینی در دانشکده‌های مدیریت و ۷ دانشگاه و ۲۸ پارک صنعتی انجام می‌گیرد و مدارس کارآفرینی هماهنگ کننده این دانشگاه‌ها هستند. فواید این شیوه سازماندهی در آموزش کارآفرینی، در ایجاد ساختار شبکه‌ای به منظور آموزش کارآفرینی بروز می‌کند؛ اما مشکل اصلی در مسائل اجرایی و عملیاتی در رابطه با تخصیص اعتبارات و هزینه‌هاست. انتقال منابع برای دانشگاه‌ها به نظر خیلی مشکل می‌رسد و نوعاً تأمین و تخصیص اعتبارات و هزینه‌ها هم باید از طریق بودجه اختصاص یافته به دانشگاه‌ها صورت پذیرد و بودجه دانشگاه‌ها هم قادر به پرکردن این خلاء نیستند؛ اما با برنامه‌ریزی‌هایی که از سوی دانشگاه‌ها صورت گرفته و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تا حدی این مشکل برطرف شده است (پاچنرا، ۱۳۸۷).

مالزی: وزارت توسعه کارآفرین متولی کارآفرینی است و آموزش، یکی از ساختارهای این وزارتخانه است. وظایف ساختار آموزش کارآفرینی در وزارت توسعه کارآفرین به شرح زیر است:

- القای فرهنگ کارآفرینی در جامعه که دانش‌آموزان و دانشجویان را شامل می‌شود؛
 - توسعه برنامه‌های بهبود کیفیت و کارآیی مدیریت فعلی کسب و کار (برنامه توسعه کارآفرینی ۱۸ ماهه)
 - برنامه توسعه صادرات (۱۲ ماهه)؛
 - برگزاری نمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و سمینارها؛
 - تشویق فعالیت‌های کارآفرینی و تدارک یک محیط مساعد برای کارآفرینان از طریق کلوب کارآفرینان، انجمن‌های کارآفرین، اتاق‌های بازرگانی.
- حداکثر وام برای هزینه واحدها در دوره‌های فوق ۱۶۰۰۰ دلار است. همچنین مرکز تکنولوژی پیشرفته بازرگانی، بانک توسعه مالزی و شرکت تولید ملی این دوره‌ها را نیز ارائه می‌دهند (ایتنرنیوز، ۲۰۰۴). برخی از دانشگاه‌ها اواسط دهه ۱۹۹۰ کارآفرینی را یکی از موضوعات مهم درسی در نظر گرفته‌اند. تحقیقات انجام گرفته در این دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که ۳۶/۷ درصد از دانشجویان، به فراگیری چگونگی آغاز کسب و کار و یا مدیریت مؤسسات کوچک علاقه‌مندند. ۴۴/۴ درصد معتقدند که استعدادهای کارآفرینانه در همه افراد وجود دارد و از طریق آموزش رسمی به افراد می‌توان آنها را کارآفرین ساخت (یو و چان، ۲۰۰۷).

فرانسه: انجمن روان‌سازی جذب شغلی (آفیج)^۱ در سال ۱۹۹۴ به عنوان یک سازمان وابسته به دولت و بنا به درخواست تمام سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با دانشگاه و صنعت تأسیس شد. هزینه‌های انجمن اساساً از طریق وزارت علوم و وزارت کار تأمین می‌شود؛ ولی از سوی استانداری‌ها و شهرداری‌ها نیز حمایت می‌شود. این انجمن از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است و دارای کارکردهای ویژه‌ای است:

- ۱- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه شناخت بازار کسب و کار، شناخت شرکت‌ها و راه‌های مختلف همکاری با آنها، تنظیم قراردادهای، مفهوم امضاءها و تعهدات سپرده شده و راه‌های دستیابی به بهترین قراردادهای در زمینه کسب و کار.
- ۲- مشاهده گروهی و فردی: در سال ۲۰۰۲ حدود ۴۵۰۰۰ نفر از خدمات مشاوره حضوری و ۸۰۰۰ نفر از خدمات مشاوره تلفنی در این انجمن بهره‌مند شده‌اند.
- ۳- برگزاری برنامه‌های دیدار و گفت‌وگو بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و صاحبان صنایع و کارگاه‌های تولیدی - خدماتی.
- ۴- انجام پژوهش در زمینه مشکلات و کمبودهای بازار کسب و کار (کلارک^۲، ۲۰۰۴).

آلمان: تا سال ۲۰۰۰ وضعیت آموزش آلمان از حد متوسط پایین‌تر بود. اقداماتی که دولت در این زمینه به منظور بهبود شرایط به کار بسته، تا حدودی اثربخش بوده است. ارائه رشته‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها از سال ۲۰۰۰ باعث شده است که وضعیت آلمان بهتر از حد متوسط ارزیابی شود. همچنین دولت با همکاری بانک توازن آلمان نسبت به ایجاد کرسی‌های دانشگاهی برای خلق کسب و کارها اقدام کرده است. هدف از انجام این کار، دسترسی عمومی به رشته‌های کارآفرینی و آشنا ساختن دانشجویان و پرورش آنها به عنوان کارآفرینان و شروع خود اشتغالی در زندگی آنان است (هایتی، ۲۰۰۴). در مجموع ۴۲ دانشگاه، مدرسه عالی فنی و انستیتوهای داخلی مدارس عالی فنی، فعالیت‌های خود را در زمینه کارآفرینی متمرکز کرده‌اند.

فیلیپین: ۲۱ بنگاه دولتی به اجرای برنامه‌های آموزشی و خدمات اطلاعاتی در زمینه تأسیس شرکت‌های کوچک و متوسط پرداخته‌اند. وزارت بازرگانی و صنایع نیز در جهت ترویج کارآفرینی و رشد صنایع کوچک، امور مربوط به این زمینه را به مرکز توسعه تجارت کوچک و بزرگ واگذار کرده است. در اواخر دهه ۷۰، دانشگاه

1. A association pour facilities Insertion professionnellement des jennies diplomas (AFIJ)

2. Clark

فیلیپین، مؤسسه صنایع کوچک را که مسئولیت اصلی آن انجام تحقیقات آموزش و خدمات توسعه صنعتی است تحت پوشش دانشکده مدیریت بازرگانی تأسیس کرد و در سال‌های بعد نیز سایر دانشگاه‌ها با پیروی از الگوی دانشگاه فیلیپین در جهت آموزش کارآفرینی گام‌هایی برداشتند. تلاش دانشگاه‌ها به این نتیجه ختم شد که مؤسسات در اجرای برنامه‌های خود، نه تنها از منابع دانشکده‌های بازرگانی بلکه از منابع دانشکده‌های مهندسی، حقوق و سایر دانشکده‌های حرفه‌ای نیز استفاده کردند (وود^۱، ۲۰۱۰).

ایتالیا: وزارت علوم، برنامه‌ای طراحی کرده است تا با همکاری دانشگاه‌ها و دانشجویان در توسعه ایده اساسی کمک و همراهی نماید. بحث کارآفرینی و آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های بولونا، ترنتو، باکونی^۲ و چندین دانشگاه مطرح دیگر ارائه می‌شود. در این دانشگاه‌ها تحقیقاتی درباره روش‌های کاربردی و عملی برای آموزش، انجام پروژه‌های تحقیقاتی در مورد کارآفرینی، رشد دادن کارآفرینان در شرکت‌های کوچک و فراهم نمودن زمینه‌هایی به منظور ارتباط افراد نوآور با صنعت صورت می‌گیرد (کاکس^۳، ۲۰۰۰).

هند: مؤسسه توسعه کارآفرینی و دانشکده‌های بازرگانی و اقتصاد، دروس یا دوره‌های مربوط به کارآفرینی را ارائه می‌دهند و در این زمینه، تلاش‌های قابل ملاحظه‌ای از سوی نهادهای فوق در جهت اداره برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت، با توجه به گروه‌های هدف مورد آموزش، صورت می‌گیرد. مؤسسه توسعه کارآفرینی به عنوان یک مؤسسه معتبر شناخته می‌شود که به آموزش کارآفرینان می‌پردازد و علاوه بر آموزش، تحقیقاتی نیز در این زمینه انجام می‌دهد. اعضای هیأت علمی این مؤسسه از بهترین اساتید در زمینه مدیریت مالی، بازاریابی، سیاست‌های بازرگانی و اقتصادی، تکنولوژی آموزشی و حوزه‌های مرتبط دیگر با کارآفرینی و اشتغال‌زایی هستند (اینترنیوز، ۲۰۰۴).

تایوان: آموزش کارآفرینی براساس برنامه ریزی‌های منسجم و در سطح کلان صورت می‌گیرد. این برنامه‌ها از سوی سازمان‌های مسئول و با به کارگیری روش‌های گوناگون مانند: آموزش در حین کار، آموزش کلاسیک و تئوریک، آموزش عملی همراه با مربی و ناظر و مشاور، آموزش موارد جدید و یا آموزش کاربردی خاص در

1. Wood

2. University of Bolona, Trento, Bacconi

3. Cox

راستای توسعه، تکمیل و ارتقای سطح علمی - عملی نیروهای کار درجه دو (نیروهای شاغل پس از رده مدیریت) در واحدهای صنعتی کوچک و متوسط به کار می‌رود. مدیریت کارآفرینی در سطح دبیرستان و کالج‌های فنی (تربیت تکنسین) بر عهده وزارت آموزش و پرورش است و در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بر عهده وزارت علوم و تکنولوژی‌های پیشرفته است که با همکاری وزارت صنایع و تجارت بین‌المللی تایوان صورت می‌گیرد (لادزانی^۱، ۱۹۹۹).

۲- انواع آموزش‌های کارآفرینی از نظر ساختار (تک‌درس، دوره و یا اعطای مدرک رسمی دانشگاهی) در کشورهای منتخب چگونه است؟

آمریکا: اولین بار در سال ۱۹۸۶ دانشکده بازرگانی هاروارد سرفصل‌های درسی را تدوین و دوره‌های آموزش کارآفرینی را برگزار کرد. آغاز برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در سال ۱۹۷۱ و در کارنگی در سال ۱۹۷۲ بوده است. حدود ۵۵ درصد برنامه‌های آموزش کارآفرینی در هر دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد، سه درصد برنامه‌ها برای دوره‌های کارشناسی ارشد و تنها ۱۵ درصد برای دوره‌های کارشناسی بوده است. دانشکده بازرگانی هاروارد، تنها دانشگاهی است که تفکر و توسعه کارآفرینی را در جهان هدایت می‌کند و با تعیین سرفصل‌ها، درس‌ها و دوره‌های آموزشی، بسیاری از مفاهیم کارآفرینی را به دیگر دانشگاه‌ها و دانشجویان در سراسر جهان ارائه می‌دهد (لوی^۲، ۲۰۰۳). مطالعه‌ای که در دانشگاه بیلور^۳ روی دانشجویان رشته کارآفرینی صورت گرفت، نشان داد که ارزیابی دانشجویان از دروس رشته کارآفرینی این است که باید بیشترین تأکید بر دروس مالی و مدیریت، دروس روابط انسانی و بازاریابی باشد.

صاحب‌نظران، در یک مطالعه پژوهشی نسبت به بررسی سرفصل‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها اقدام کرده‌اند. از نظر آنان اکثر این سرفصل‌ها حول دو محور عمده تدوین شده است.

۱- سرفصل‌های آموزش کارآفرینی برآغاز فعالیت کسب و کار و با رویکرد کارآفرینانه؛

۲- سرفصل‌های آموزش کارآفرینی برای اداره فعالیت‌های کسب و کار؛

۳- سرفصل مشترک در هر دو مورد مانند تفکر خلاق، انتقال تکنولوژی، مدیریت محصول، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تجاری مخاطره‌آمیز. در این طبقه‌بندی ۵۴ درس برای ایجاد و راه‌اندازی کسب و کار و ۲۸۸ درس برای اداره کسب و کار مشاهده شده است (زالی، ۱۳۸۵).

درس "کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار" در ۱۲۰ دانشگاه (۴۲ درصد)، "امور مالی سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز" ۸۳ دانشگاه و "تدوین طرح فعالیت تجاری مخاطره‌آمیز" در ۴۲ دانشگاه، تدریس می‌شود. بعضی از دروس در تعداد کمی از دانشگاه‌ها ارائه می‌شود؛ به عنوان مثال، دروس "اقتصاد کارآفرینی" در سه دانشگاه، "کارآفرینی اجتماعی" در چهار دانشگاه و "جامعه‌شناسی کارآفرینی" در دو دانشگاه ارائه می‌شود. دروس دیگر از جمله درس "سرمایه‌گذاری بین‌المللی" در ۲۱ دانشگاه "ارزیابی نوآوری" در ۱۶ دانشگاه "تفکر خلاق" و "روش تحقیق در کارآفرینی" به ترتیب در ۱۹ دانشگاه جزو برنامه آموزش کارآفرینی قرار دارند. همان‌طور که در کشورهای جنوب درس «انتقال تکنولوژی» می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد، ممکن است که در کشورهای پیشرفته (شمال) چندان موضوعیت نداشته باشد، و یا در کشوری که سرمایه‌گذاری خارجی در آن ممنوع است، ارائه درس "سرمایه‌گذاری بین‌المللی" نیز جایگاه خاصی نداشته باشد. در بین ۲۸۸ دانشگاه، ۷۲ دانشگاه (۲۵ درصد) درس "مدیریت کسب و کارهای کوچک" و ۴۲ دانشگاه (۱۵ درصد) درس "پروژه میدانی، مشاوره"، ۳۸ دانشگاه (۱۳ درصد) درس "آغاز و اداره فعالیت و کسب و کار" ۳۷ دانشگاه (۱۲ درصد) درس "اداره شرکت‌های تجاری با رشد سریع" را در برنامه‌های آموزشی خویش قرار داده‌اند. دروس "کارآفرینی در سازمان‌های خدماتی" و "مدیریت منابع انسانی در شرکت‌های کوچک" در چهار دانشگاه و درس "تغییر مسیر شرکت" در سه دانشگاه ارائه می‌شود. از دلایل مهم تفکیک دروس "آغاز فعالیت کسب و کار" و "مدیریت کسب و کار" کاهش ابهام و سردرگمی است و از این طریق می‌توان دریافت که کدام فعالیت را افراد کارآفرین انجام می‌دهند (زالی، ۱۳۸۵).

براساس تحقیقات انجام گرفته در آمریکا، ۱۲۶ دانشکده برنامه‌های آموزش خود را بر مبنای سه موضوع کارآفرینی به عنوان آغاز فعالیت کسب و کار، اداره کسب و کارهای کوچک و اداره کسب و کارهای کوچک و بزرگ تقسیم‌بندی کرده‌اند (وود، ۲۰۱۰). زمان‌بندی کلاس‌های آموزش کارآفرینی در بعضی از دانشگاه‌ها از کلاس‌های رسمی دانشگاه مجزا است و همه دانشجویان دوره کارشناسی موظفند که طی سال‌های

اول و دوم تحصیل خود، حداکثر دو درس را که مرتبط با روزهای برگزار شده در زمینه کارآفرینی است به صورت اختیاری انتخاب نمایند؛ با این حال، لوی (۲۰۰۳) معتقد است که باید زمان کافی در طول چهار سال برای شرکت در دوره‌های آموزش کارآفرینی در نظر گرفته شود. دانشگاه‌ها نیز با توجه به ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه، دانشجویان را برای انجام کارهای تجاری و ارائه عقاید و فنون مناسب‌تر و بهتر در این زمینه توانمند کرده و در این رابطه، دانشگاه و مؤسسات مختلف برای آموزش کارآفرینی همکاری نزدیکی را با یکدیگر برقرار می‌کنند. اهداف کلی این همکاری عبارتند از:

- آموزش کارآفرینی در موضوعات مختلف و رشته‌های مختلف (آموزش کارآفرینانه)؛
- به چالش انداختن فرهنگ دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در راستای ترویج کارآفرینی؛

- برنامه‌های مناسب و مطلوب برای جوانان کارآفرین تازه‌کار؛

- آموزش کارآفرینی نوآورانه؛

- استفاده از رویکرد تلفیقی در آموزش کارآفرینی (هیرسیچ، ۲۰۰۲).

اصولاً درس کارآفرینی به عنوان یکی از دروس اختیاری ارائه می‌شود؛ اما در اروپا تمایل به ارائه این درس در تمام رشته‌ها به صورت اجباری وجود دارد. آموزش کارآفرینی در هر یک از دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد وجود دارد، اما در دوره دکتری هنوز اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است (داتا، ۲۰۰۵).

استرالیا: علاوه بر آموزش‌های رسمی و کلاسیک به مدیران صنایع، سمینار هم برگزار می‌شود. دولت استرالیا در سال ۱۹۸۸ نشستی متشکل از ۱۱۰ هیأت اعزامی از مؤسسات کوچک تشکیل داد که مسائل اصلاح ساختار مالیات، مسائل مربوط به کاغذبازی و موانع اداری، توریسم و گردشگری، توسعه مهارت‌های مدیران مؤسسات کوچک، مقررات صادرات مؤسسات کوچک، خط مشی‌ها و سیاست‌های دولت در زمینه کارآفرینی و مسائل منطقه‌ای به طور مفصل بررسی شد (احمدپورداریانی، ۱۳۸۳).

آلمان: کرسی‌های استادی درس کارآفرینی شامل: کارآفرینی، مدیریت تأسیس شرکت، مسائل واقعی در تأسیس شرکت، تأسیس شرکت‌های فامیلی، شکل سرمایه‌گذاری در نوآوری، مدیریت نوآوری، کسب اطلاعات تکنولوژی تأسیس

شرکت، تأسیس شرکت شخصی، سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، کشمکش و تعارضات موجود در تأسیس شرکت و درمان تعارض، چرخه‌های شرکت، توسعه شرکت، توسعه علم اقتصادی، کار اشتراکی در شرکت، ریسک‌پذیری، زمان تأسیس شرکت، تجزیه و تحلیل فرایند تصمیمات گروهی، تبادل اندیشه و بیان اظهارات دانشجویان در زمینه فرایند تأسیس شرکت است.

در دانشگاه آزاد برلین، رشته مستقل کارآفرینی هنوز تأسیس نشده، اما در رشته علم اقتصاد، دروسی مانند کارآفرینی و مدیریت نوآوری ارائه می‌شود. واحدهای ارائه شده در این زمینه شامل موارد زیر است:

- کارگاه آموزش کارآفرینی (مشاوره برای دانشجویان در فاز اولیه تأسیس (ترم ۲))
- معرفی گروه‌های کارآفرینی (ترم ۲)
- تکنیک و توسعه ایده‌های تجزیه و تحلیل بازار (ترم ۲)
- بررسی مسائل اقتصادی مؤسسات و شرکت‌های در حال تأسیس (ترم ۲)
- فرآیند مؤسسات شرکت‌های در حال تأسیس (ترم ۲)
- مشکلات موجود در مرحله ایجاد و تأسیس شرکت

در دانشگاه فنی درسدن^۱ نیز در چارچوب علم مدیریت، درس، کلاس‌ها و تمریناتی در مورد اصول تأسیس شرکت، علم مدیریت شرکت‌های جوان، مدیریت نوآوری، تکنولوژی تأسیس شرکت ارائه و همچنین سمینارهایی در این زمینه برای دانشجویان برگزار می‌شود. برای دانشجویان سایر رشته‌ها واحدهای اختیاری کارآفرینی در نظر گرفته شده که در مورد تکنولوژی اصول تأسیس در برنامه‌ریزی نوآوری است. در دانشکده مدیریت دانشگاه ماین هایم^۲ رشته کارآفرینی در سه زمینه آموزش، پژوهش و تحقیقات و کار گروهی طراحی شده است. مواد آموزشی در مرحله آموزش شامل ایده‌های نو، پیش‌بینی بازار، استراتژی ورود به بازار، مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری، شاخص‌های موفقیت در بازار، مسائل روحی و روانی تا مرحله تأسیس شرکت، سازمان‌دهی شرکت و برنامه‌ریزی است.

فیلپین: در سطح دانشگاه و دبیرستان برای ترویج کارآفرینی و صنایع کوچک فعالیت‌هایی به عمل می‌آید. سیستم رسمی آموزشی بیشتر متوجه فارغ التحصیلانی بود که به دنبال پیدا کردن کار هستند، تا این‌که خود به تنهایی کار و شغل ایجاد کنند.

۱. Tec. Uni. Dresden

۲. Mannheim

این رویکرد از سویی باعث رشد صنایع بزرگ می‌شد که بیشتر سرمایه‌بر بودند تا کاربر، و از سوی دیگر، نسبت مهاجرت را افزایش می‌داد؛ بنابراین، تلاش دانشگاه‌ها برای ترویج کارآفرینی و رشد صنایع کوچک می‌تواند باعث شود که اولاً زمینه اشتغال در سطح کشور فراهم شود و ثانیاً میزان مهاجرت به شهرهای بزرگ کاهش یابد (بلنک^۱، ۲۰۰۷). دانشکده‌های بازرگانی نیز در رشته مدیریت بازرگانی در سطح کارشناسی ۲۴ واحد درسی ارائه می‌دهند که با مدیریت ریسک‌پذیر و کارآفرین و مدیریت واحدهای بازرگانی و صنعتی کوچک در ارتباط است. در این کشور، یک کتاب‌شناسی در مورد مدیریت ریسک‌پذیر و مدیریت واحدهای کوچک تهیه و بین دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی توزیع می‌شود؛ در ضمن برای رشته‌های مرتبط، یک کتاب درسی مدیریت ریسک‌پذیر تهیه شده است. برای پرورش، بهبود و توسعه منابع انسانی نیز از روش «برانگیختن نیل به هدف» استفاده می‌شود و این روش، زمینه مناسب را برای ایجاد واحدهای کوچک یا داشتن سبک مدیریت ریسک‌پذیر و کارآفرین آماده و یا اینکه در نهایت آنها را برای استخدام شدن در سایر واحدها آماده می‌کند. دولت نیز برای مشاوران و کارگران در مؤسسات کوچک دوره‌های آموزشی برگزار می‌کند (سالازار^۲، ۱۳۸۳).

۳- انواع آموزش دهندگان (افراد متخصص در یک رشته یا متخصصان آموزش

کارآفرینی و یا به صورت ترکیبی) در کشورهای منتخب چگونه است؟

یکی از موضوعات مهم در رابطه با آموزش کارآفرینی، خصوصاً در دانشگاه‌های اروپا، کمبود کرسی‌های استادی است و همین موضوع، اروپا را نسبت به آمریکا در زمینه آموزش کارآفرینی عقب نگه داشته است؛ به علاوه، آموزش کارآفرینی تقریباً در حال حاضر برای دانشجویان رشته‌های بازرگانی و اقتصاد ارائه می‌شود و دسترسی سایر دانشجویان در رشته‌های مختلف به آموزش کارآفرینی تقریباً محدود است.

در انگلستان تعدادی از نوآموزان در زمینه تشویق و ترغیب دانشگاه‌های این منطقه به همکاری با یکدیگر پرداخته‌اند و هدف آنها ارتقاء و توسعه کارآفرینی از طریق تغییر جو و فرهنگ دانشگاه‌هاست. دولت نیز سرمایه‌گذاری‌های پولی و مالی را در دانشگاه به اجرا گذاشته و با جذب متخصصان در این زمینه به توسعه و آموزش کارآفرینی در دانشگاه پرداخته است. هدف از سرمایه‌گذاری‌های مالی و انسانی دولت انگلستان، ایجاد

شبکه‌هایی از ارزیابان درون دانشگاهی و برون دانشگاهی در جهت منطبق ساختن مطالعات، پژوهش‌ها و آموزش‌های کارآفرینی با فرایند متحول علوم و تکنولوژی است. در هلند افراد مجرب صنعت برای آموزش و مربی‌گری کارآفرینان نو و تازه کار استخدام شدند و افراد با زمینه‌های تجاری مختلف به دانشگاه دعوت شدند و فعالیت‌های پداگوژیکی جدید (مثل مربی‌گری) عضویت‌های کوتاه مدت (مثل دریافت کمک هزینه‌های کوتاه مدت) و مکان‌های کاری طرح‌ریزی شده به اساتید و دانشجویان معرفی شدند. در دانشگاه بابسون^۱ برنامه‌هایی طراحی شده است که به عنوان ابزاری برای رشد استانداردهای آموزشی در نظر گرفته می‌شود. در این برنامه‌ها با دعوت از اساتید مجرب در زمینه کارآفرینی، با هماهنگی سایر اعضای دانشکده از اساتید با سابقه‌تر به منظور شرکت در این دوره ثبت نام می‌شود. و اعضای هیأت علمی جدید مخصوصاً در صورت تأثیر دوره‌های آموزشی مربوط به توضیح آنها از این دوره‌ها استقبال خواهند نمود (زالی، ۱۳۸۵).

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها در کشور آمریکا، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در محیط‌های آموزشی مانند دانشکده‌های بازرگانی و مهندسی انجام می‌گیرد. از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، هم به صورت دوره و تک‌درس و هم به صورت رشته است و آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد.

در استرالیا، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای انجام می‌گیرد. از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، بیشتر به صورت آموزش‌های رسمی و کلاسیک و اعطای گواهینامه به کارآموزان است و آموزش‌دهندگان، متخصصان آموزش کارآفرینی هستند.

در هلند، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در آموزش در محل کار و آموزش از طریق تلفن است و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت برگزاری دوره و اعطای گواهینامه به کارآموزان است و آموزش‌دهندگان، افراد مجرب در صنعت هستند.

در سوئد، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در محیط‌های آموزشی است و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت برگزاری دوره و اعطای گواهینامه به کارآموزان است و آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد.

در مالزی و فرانسه، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، هم در محیط‌های آموزشی و هم در محیط کار انجام می‌شود و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت برگزاری دوره و اعطای گواهینامه به کارآموزان است و آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد.

در آلمان، ایتالیا و فیلیپین، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در محیط‌های آموزشی است و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت تک‌درس و درس و اختیاری است. آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد.

در هند، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در محیط‌های آموزشی است و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت تک‌درس و دوره است و آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد. در تایوان، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر از طریق آموزش حین کار و آموزش نظری و عملی همراه با هم است و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت تک‌درس و دوره است و وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش متولی این امر هستند.

در ایران، آموزش کارآفرینی از نظر مکان، بیشتر در محیط‌های آموزشی صورت می‌گیرد و از نظر ساختار، آموزش کارآفرینی، به صورت تک‌درس، دوره، اعطای گواهینامه و رشته تحصیلی است و آموزش‌دهندگان را هم افراد متخصص در یک رشته و هم متخصصان آموزش کارآفرینی دربرمی‌گیرد.

بر اساس مطالعات انجام شده در این طرح، آموزش کارآفرینی تحت تأثیر عواملی مانند وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورها قرار می‌گیرد؛ لذا محقق برای طراحی الگوی آموزش کارآفرینی، تجربیات کشورهای موفق را با در نظر گرفتن شرایط خاص اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ایران مورد ملاحظه قرار داده و با در نظر گرفتن شرایط و امکانات نظام آموزشی ایران، مدل‌های آن مشخص شده است.

مروری بر تجربه مراکز آموزش عالی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این مراکز، با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی که در آن قرار گرفته‌اند، به یکی از این

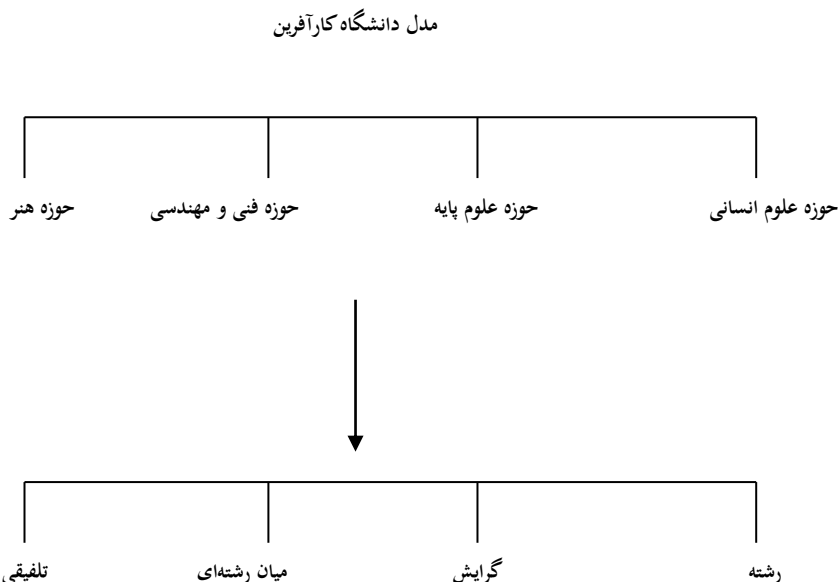
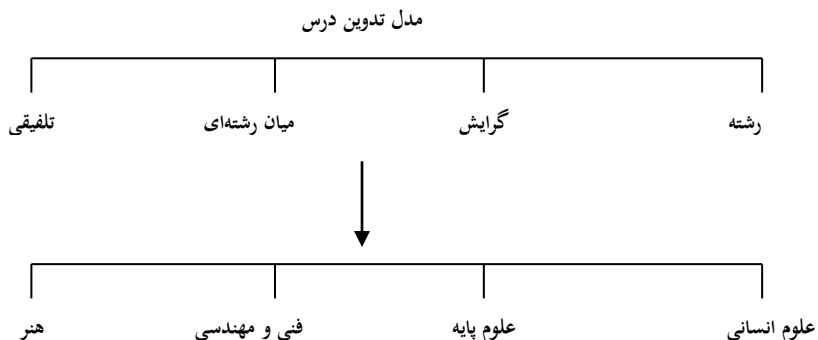
راه حل‌ها پرداخته یا دوره‌های آموزشی با عنوان کارآفرینی راه‌اندازی کرده و یا نسبت به ایجاد یک مرکز رشد در دانشگاه اقدام کرده‌اند. در بسیاری از موارد نیز این دو راهکار به‌طور هم‌زمان به کار گرفته می‌شود. پیش‌بینی راه و روش‌های لازم در بهره‌گیری از این راهکارها به صورت تکمیل‌کننده یکدیگر، از جمله مسائلی است که نقش به‌سزایی در اثر بخشی این راه‌حل‌ها دارد.

یافته‌ها نشان داد که آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف، هم در محیط‌های کاری و هم در محیط‌های آموزشی صورت می‌گیرد. بر اساس این یافته‌ها، آموزش کارآفرینی در برخی از کشورها در دانشکده‌های مدیریت بازرگانی، دانشکده مهندسی، دانشگاه علوم بازرگانی، پارک‌های صنعتی و مدارس عالی فنی صورت می‌گیرد و از نظر ساختار هم به صورت تک‌درس، دوره و با اعطای مدرک رسمی دانشگاهی ارائه می‌شود. مهم‌ترین دروس این دوره‌ها نیز شامل دروس مالی، بازاریابی، روابط انسانی، مدیریت کارآفرینی، اقتصاد کارآفرینی، تفکر خلاق، روش تحقیق، مدیریت منابع انسانی و مدیریت نوآوری است. طبق یافته‌ها، آموزش کارآفرینی می‌تواند از سوی متخصصان مختلف (افراد مجرب صنعت، اساتید مجرب کارآفرینی و....) انجام شود. آموزش کارآفرینی می‌تواند از طریق فرایند مسأله‌یابی، جست‌وجوی راه حل‌های نو و ناب، آگاه‌سازی از فرصت‌ها و تهدیدهای حوزه کسب و کار، کاوش‌گری، فعالیت‌های فوق برنامه، درس‌های تخصصی، کارآموزی، از راه تجربه‌های کارآفرینان، تلفیق آموزش نظری و عملی، فرایند تبدیل ایده‌ها به طرح‌های عملیاتی، استخراج ایده‌های ناب کسب و کار از آموزش و پژوهش و پردازش ایده‌های مناسب کسب و کار، از راه آموزش فردی، از راه کارآموزی در محیط‌های کسب و کار، تعریف و انجام پروژه‌های فردی، اقدام پژوهی، مطالعه موردی، برقراری ارتباط با کارآفرینان و سازمان‌های کارآفرینان، مواجهه با تهدیدها و بحران‌ها، از راه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تبدیل ایده‌ها به طرح‌های عملیاتی، به بحث گذاشتن طرح‌های عملیاتی مهم و ناب، مهارت در تحلیل فرصت‌ها، تسلط بر روش‌های تحقیق و توسعه علمی آموزشی و پژوهشی و.... به افراد آموزش داده شود.

مدل‌های ارائه شده آموزش کارآفرینی در این پژوهش، تلفیقی از تمام رویکردها و مدل‌هایی است که در کشورهای مختلف ارائه شده است. برخی از این مدل‌های ارائه شده، مستخرج از تجارب کشورهای مختلف است و برخی از این مدل‌ها بر اساس مبانی نظری موجود و نظرات خبرگان استخراج گردیده است. مدل تدوین درس،

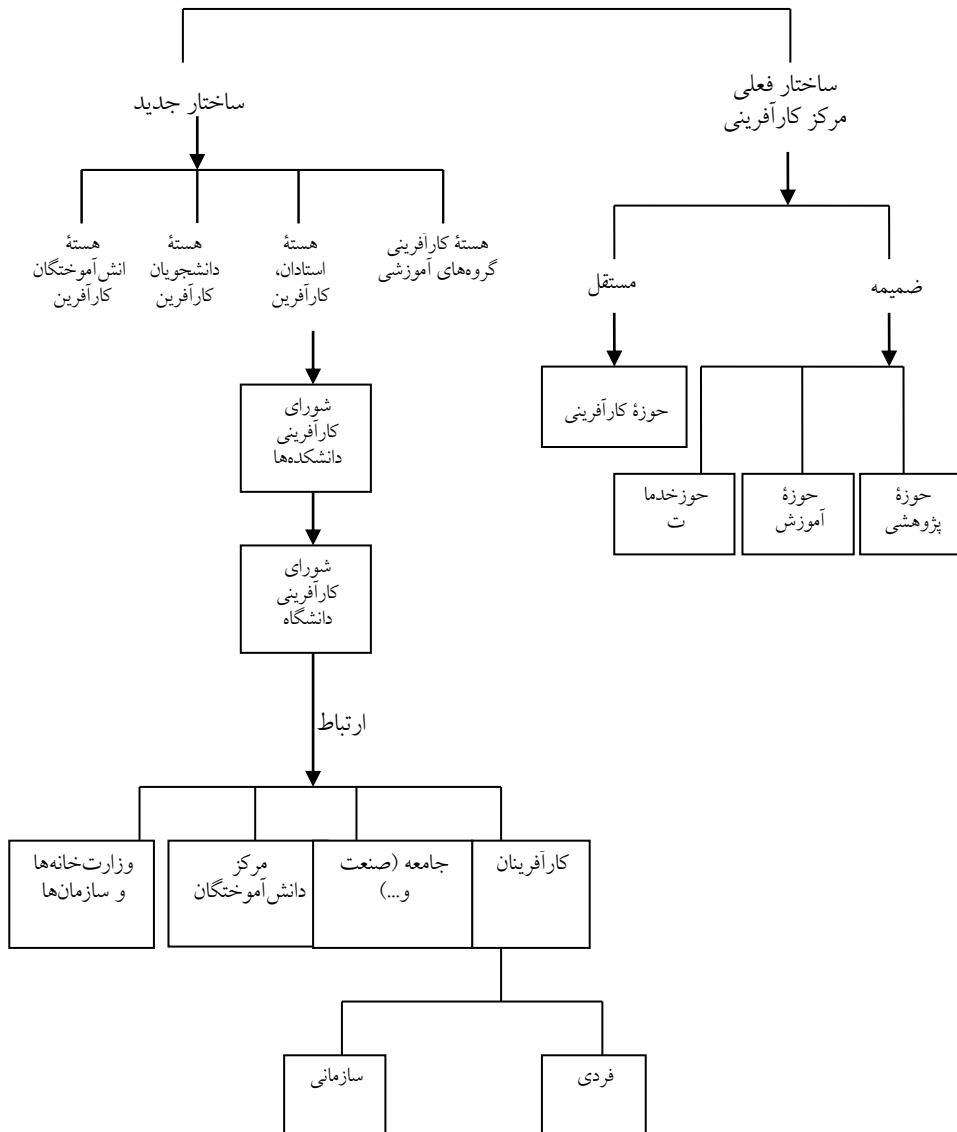
تک‌درس و دانشگاه کارآفرین نیز بر اساس مبانی نظری و تجارب کشورها و مدل‌های ساختار سازمانی بر اساس نظرات خیرگان ارائه شده است.

با توجه به یافته‌ها، مدل مناسب آموزش کارآفرینی در آموزش عالی کشور می‌تواند به صورت تک‌درس کارآفرینی در تمام حوزه‌های عمده آموزشی یا به صورت دانشگاه کارآفرین صورت‌بندی شود.



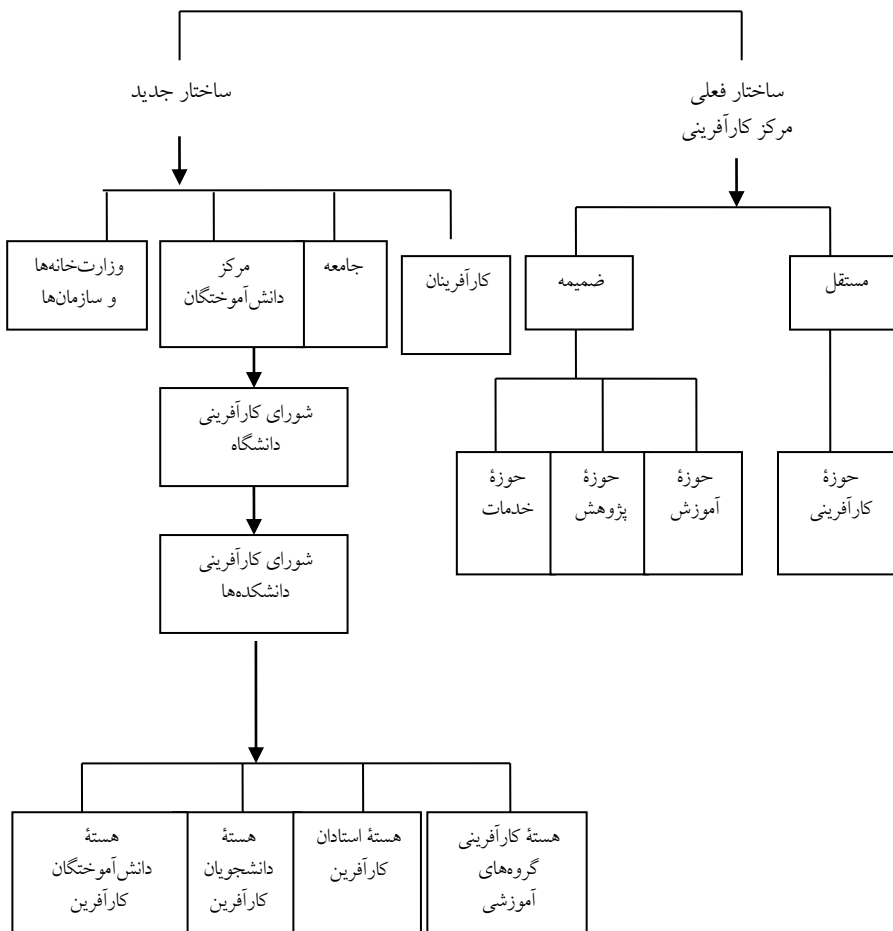
دانشگاه کارآفرین می‌تواند در چهار حوزه علوم انسانی، پایه، فنی و مهندسی و هنر به صورت رشته، گرایش، میان‌رشته‌ای و تلفیقی سازمان‌دهی شود.

ساختار سازمانی

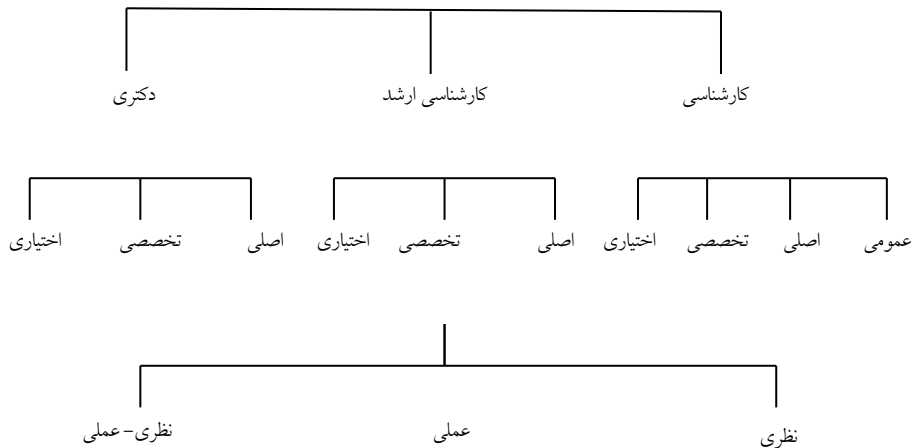


ساختار سازمانی دانشگاه کارآفرین می‌تواند به صورت ساختار فعلی از بالا به پایین یا ساختار جدید از پایین به بالا باشد.

ساختار سازمانی



مدل تک‌درس



پیشنهادها

۱- لازم است که در برنامه‌های آموزشی مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها تجدید نظر شود، رویکرد بین رشته‌ای در الگوی آموزش کارآفرینی دانشگاه‌ها اتخاذ یا رویکرد دوره‌ای در آموزش کارآفرینی به کار گرفته شود و در ساختار دانشگاه‌ها تغییر صورت گیرد.

۲- دانشکده‌های کارآفرینی با هدف یگانه ساختن دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی و مرکز کارآفرینی دانشگاه‌ها تأسیس شود و رشته‌های خاص بین رشته‌ای کارآفرینی، مانند مدیریت کارآفرینی و آموزش کارآفرینی یا دوره‌های خاص آموزش کارآفرینی، در رشته‌های نزدیک به این حیطه در هر گروه آموزشی ایجاد شود و یا دوره‌های خاص آموزش کارآفرینی ویژه دانشجویان رشته‌های اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی و علوم تربیتی و ... راه اندازی شود.

۳- قرار دادن درس آموزش کارآفرینی در دروس عمومی یا اصلی دانشگاه‌ها.
 ۴- آموزش اساتید علاقه‌مند هر گروه در زمینه کارآفرینی به صورت کارگاه آموزشی یا تشکیل مجمع اساتید کارآفرین در دانشگاه‌ها صورت گیرد و ارتباط مستمر دانشگاه‌ها با کارآفرینان در هر زمینه خاص برقرار شود.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳). تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهزادیان‌نژاد، قربان (۱۳۸۰). ضرورت توجه به کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته. مجموعه مقالات کارآفرینی و فن‌آوری پیشرفته.
- پاچنر، پترا (۱۳۸۷). نوآوری و توسعه در کارآفرینی دانش محور؛ ترجمه روح‌الله یوسفی، تهران: انتشارات ترمه.
- زالی، محمدرضا (۱۳۸۵). اوهام یا واقعیت‌های کارآفرینی. مرکز پژوهش‌های کاربردی دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- سالازار، ملیتو (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر کارآفرینی؛ ترجمه سیامک نطق، تهران: نشر کوهسار.
- شفیع‌زاده، حمید (۱۳۸۶). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، دانشگاه سمنان.
- طیرانی، علیرضا (۱۳۹۰). شناسایی استراتژی توسعه تحقیقات کارآفرینی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- فکور، بهمن (۱۳۸۷). دانشگاه کارآفرینی. مجله رشد فناوری، ۵: ۳۵-۴۲.

- Blenke, P. (2007). Entrepreneurship education and university context (www.Hne.dk/org).
- Braunerhjelm, P. (2007). *Academic entrepreneurship: social norms, university culture and policies*, Sweden, Stockholm, Department of Transport and Economic.
- Cheng, Ming Yu. (2009). The effectiveness of entrepreneurship education in Malaysia, *Journal of Education + Training*, 7 (1): 555-556.
- Clark, B. R. (2004). *Sustaining change in university continuities in case studies and concepts, maidenhead*, Society for Research in to Higher Education and Open University Press.
- Cotton, J. (1990). Enterprise education experience, manual, *Service Training, CASDES, Hombres*.
- Cox, R. (2000). Encouraging entrepreneurship in Europe; a comparative study focused on education, *UFSIA – University of Antwerp*.
- Dutta, D. (2005). *The nature of entrepreneurial opportunities; entrepreneurship: theory and practice*, Baylor University.
- Entre News. (2004). Think piece-creating the entrepreneurial university of the 21st century? *Innovation and Small Business Network*.
- Harrison, R. (2002). Process model for entrepreneurship education and development, *International Journal of Entrepreneurial*, 5 (3): 83-109.

- Henry, C. (2005). Entrepreneurship education and training: can be taught entrepreneurship, *Journal of Education Training*, 3 (7): 158-169.
- Hirsich, R. (2002). *Entrepreneurship*, Mc Graw –Hill Publishing Company, 5th Edition.
- Hytti, U. (2004). What is enterprise education? An analysis of the objective and methods of enterprise education programmers, *Education and Training*. 46 (1): 11- 23.
- Ibrahim, A. B. (2002). Entrepreneurship education and training in Canada assessment, *Journal Education and Training*, 44 (8-9): 421-443.
- Kuratko, D. (2004). Developing an entrepreneurial persecution, *Strategic Management Journal*, 21 (13).
- Ladzani, M. W. (1999). *Significance of entrepreneurship training for small business enterprises in the Northern Province*, Unpublished MBA Dissertation.
- Levie, Y. (2003). Entrepreneurship: next century's university fusing will com mostly from successful entrepreneur alumina we should plan for that now, *Babson Kauffman Entrepreneurship Research Conference*, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1748691>
- Luczkiw, E. (2008). Entrepreneurship education in an age of chaos, complexity and disruptive change. *OECD Education & Skills*. 18: 65-93.
- Matlay, H. (2003). Entrepreneurship education in China, *Journal of Education and Training*, 45 (8-9): 495-505.
- Matlay, H. (2008). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial outcomes, *Journal of Small Business and Enterprise*, 2 (15): 382- 396.
- Mwasalwiba, E. S. (2008). Entrepreneurship education: a review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education + Training*, 52 (1): 20-47.
- Nieman, G. (2001). Training entrepreneurs and small, *Journal Education and Training*, 43 (8-9): 445- 450.
- Postigo, S. (2002). Entrepreneurship education in Argentina. *The case of Sanders University. Paper presented for the Internalizing Entrepreneurship Education Conference in Malaysia*, July 8-10.
- Slater, S. F. and Narver, J. C. (1998). Customer- led and market oriented, *Strategic Management Journal*, 19 (10): 18-31.
- Solomon, G. (2008). Entrepreneurship education in the United States. *OECD Education & Skills*. 18: 95-118
- Taatila, V. P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education, *Journal of Education+ Training*, 52 (1): 48-61.
- Wood, M. S. (2010). The production of entrepreneurial opportunity: a constructivist perspective, *Frontiers of Entrepreneurship Research*: 29 (16): 7-15.
- Yu, M. C. Chan, S. (2007). Entrepreneurship education in Malaysia, Available to: www.MMu.edu.